

گزارش‌های باستان‌شناسی

گزارش بررسی پناهگاه صخره‌ای ورکینی، دشت کرمانشاه

سونیا شیدرنگ

بخش پژوهش‌های پارینه‌سنگی، موزه ملی ایران

درآمد

پناهگاه‌ها و غارهای دشت میان‌کوهی کرمانشاه با داشتن شرایط مساعد برای سکونت و تجمع گروه‌های انسانی از جمله مکان‌های ارزشمند برای مطالعه بقایای پارینه‌سنگی، خصوصاً پارینه‌سنگی میانی و جدید زاگرس است.

کاوش‌های انگشت شماری که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ انجام گرفت، توالی استقراری چندین دوره پارینه‌سنگی را در برخی از مکان‌های کرمانشاه مانند پناهگاه صخره‌ای ورواسی و غار خر نشان داد (Young & Smith 1966, Braidwood 1960). اما کاوش مکان‌های دیگری مانند غار شکارچیان و قبه صرفاً بقایای یکی از دوره‌های پارینه‌سنگی را آشکار ساخت (Coon 1951, Braidwood 1960).

پس از توقف پژوهش‌های میدانی به دلیل تحولات سیاسی و گذشت دوره فترت نزدیک به یک دهه، بررسی‌های پارینه‌سنگی متعددی در این منطقه انجام شد (بیگلری، ۱۳۷۹؛ بیگلری و حیدری بی‌تا؛ Biglari & Heydari 2000; Biglari 2004). در نتیجه بررسی‌های اخیر نتایج پیشین مبنی بر وجود مکان‌های تک دوره‌ای و چند دوره‌ای مانند پناهگاه صخره‌ای ورکینی که در این مقاله مطرح شده است، تأیید شد. با توجه به یافته‌های پناهگاه صخره‌ای ورکینی، احتمالاً این مکان بقایای استقراری چند دوره پارینه‌سنگی را در بر داشته و مطالعه آن شاید بتواند سطح دانسته‌های ما را در بازسازی الگوی استقراری منطقه افزایش دهد.

پناهگاه صخره‌ای ورکینی

پناهگاه ورکینی در شمال غربی کرمانشاه، در دامنه جنوبی کوه قلعه گیری و در حاشیه شمالی دشت واقع شده است (تصویر ۱). این پناهگاه نخستین بار در سال ۱۳۷۴ توسط بیگلری و حیدری بررسی شد و در سال ۱۳۸۳ مجدداً به‌وسیله نگارنده و بیگلری مورد بررسی قرار گرفت. این مکان با ارتفاع ۱۴۰۰ متر از سطح دریا و با دهانه‌ای رو به جنوب، دارای زاویه دید مناسبی نسبت به دشت و رودخانه قره‌سو است. در فاصله کمی از غرب ورکینی پناهگاهی بزرگتر در ارتفاع بالاتری به نام پیریای واقع شده است.

طول پناهگاه صخره‌ای ورکینی ۱۳ متر و عمق آن ۴ متر است. کف پناهگاه دارای رسوب ریز دانه قهوه‌ای رنگی است که در سطح آن قطعات پراکنده سنگ آهک به چشم می‌خورد. با توجه به وضعیت پیشانی و زاویه دیواره پناهگاه و همچنین رسوب نرم‌دانه کف، احتمالاً عمق رسوبات این پناهگاه زیاد است تا جایی که در نتیجه انباشت متوالی رسوبات فاصله پیشانی و کف آن بسیار کم شده است. در گوشه شرقی پناهگاه، چاله‌ای به عمق تقریبی ۸۰ و ابعاد ۲۱۰×۱۷۰ سانتیمتر توسط حفاران غیر مجاز کنده شده است که تعدادی مصنوع سنگی و استخوان در میان رسوبات آن یافت شد (تصویر ۲). طی بررسی سال ۱۳۷۴ تعداد ۱۸۶ قطعه مصنوع سنگی و در بررسی حاضر ۱۴۰ قطعه مصنوعات سنگی، ۱۰ قطعه استخوان، دندان و ۱ سر تیر فلزی از این پناهگاه جمع‌آوری گردید.

صنایع سنگی

تلفیق دو مجموعه سطحی جمع‌آوری شده و مطالعه آنها بیانگر آثار دو دوره فرهنگی پارینه‌سنگی میانی و جدید است. با توجه به تعداد اندک یافته‌ها، سطحی بودن مجموعه فوق و این مسأله که مصنوعات سنگی به‌دست آمده چند دوره مختلف را دربر می‌گیرد، از این رو مطالعه آماری این مجموعه نمی‌تواند چندان مفید واقع گردد. لذا در این نوشته سعی شده ویژگی‌های گونه‌شناسی و فن‌آوری قابل تشخیص در این مجموعه که نسبتاً قابل اطمینان‌تر است مورد توجه قرار گیرد.

سنگ مادر (Core)

مطالعه سنگ مادرهای یک مجموعه در واقع بررسی فن و روشی است که در تولید مصنوعات سنگی آن مجموعه مورد استفاده قرار گرفته است.

در مجموعه حاضر درصد بالایی از سنگ مادرها بی‌قاعده هستند که برخی از آنها روی قطعات زاویه‌دار با یک یا چند سکو و زاویه نسبتاً مناسب برای برداشت شکل گرفته‌اند. در برخی از موارد نیز روی بقایای یک سنگ مادر رها شده به‌صورت محدود تراشه‌برداری انجام گرفته است. اما آنچه در همه این سنگ مادرها مشترک است، برداشت چند

تراشه توسط ضربه زن سنگی (hard hammer) به روش ضربه مستقیم و سپس بلااستفاده رها شدن این نوع سنگ مادرهاست.

از جمله ویژگیهای جالب توجه این مجموعه، تعدادی سنگ مادر ریز تیغه با سطح برداشت محدود و ضخامت نسبتاً کم است که یکی از لبه‌های کم عرض و طویل سنگ برای برداشت ریزتیغه انتخاب شده است. این نوع سنگ مادر عموماً بر روی تکه‌های نسبتاً بزرگ سنگ مادرهای رها شده و یا تراشه‌های دارای شکل مناسب ایجاد می‌شده‌اند؛ به طوری که با برداشت یک یا چند تراشه کوچک سکوی ضربه شکل گرفته و تعداد کمی ریزتیغه برداشت شده است. این نوع سنگ مادر عموماً بر روی تکه‌های نسبتاً بزرگ سنگ مادرهای رها شده و یا تراشه‌های دارای شکل مناسب ایجاد می‌شده‌اند. وجود چند سنگ مادر دارای خصوصیات فوق در این مجموعه، نشان‌دهنده یک الگوی خاص است که در دوران پارینه سنگی جدید و در واقع دوره ساخت ریزتیغه‌های نسبتاً منظم با استفاده از این روش، رایج بوده است. گروه جالب توجه دیگر در این مجموعه ۷ تراشه تقریباً هم اندازه با میانگین طول ۳/۲ و عرض ۲/۵ سانتیمتر است که از سطح شکمی آنها چند تراشه کوچک به سمت مرکز جدا شده است. در سه نمونه از این سنگ مادرهای نسبتاً کم قطر، پیش از جدا نمودن تراشه با برداشت چند تراشه کوچک زاویه سکوی ضربه اصلاح شده است. این نوع فناوری که عموماً در دوره پارینه سنگی میانی رایج بوده است، سنگ مادرهای شعاعی نامیده می‌شوند. غیر از گروه‌های ذکر شده یک سنگ مادر دو سویه ریزتیغه و دو سنگ مادر شبه هرمی بسیار کوچک، یکی با سکوی ضربه ساده و بدون آماده‌سازی و دیگری دارای سکوی ضربه‌ای است که با برداشت چند تراشه سطح آن هموار شده است.

جنس سنگ‌های به کار رفته در سنگ مادرهای منسوب به پارینه سنگی جدید، در مقایسه با مصنوعات پارینه‌سنگی میانی دارای تنوع بیشتری است. سنگ چرت با طیف رنگ‌های قهوه‌ای، صورتی، سبز و سیاه که برخی از آنها خصوصاً سنگی موسوم به چرت گاکیه تشکیل‌دهنده ماده خام تولیدات پارینه‌سنگی جدید این پناهگاه است. چرت‌هایی که در مصنوعات سنگی منسوب به پارینه‌سنگی میانی به کار رفته‌اند عموماً در دو نوع مات و براق قرمز مایل به قهوه‌ای، قهوه‌ای و سبز رنگ هستند.

برداشته‌ها (debitage)

تراشه (flakes)

در این مجموعه ۱۰۵ تراشه و ۳۴ عدد قطعات شکسته تراشه وجود دارد که اکثراً از لحاظ فناوری شاخص دوره خاصی نیستند. اما در میان تراشه‌های این مجموعه تعدادی تراشه با سکوی ضربه چند بر دیده می‌شود که معمولاً از ویژگی صنایع موستری محسوب می‌شود. از دیگر قطعات دو تراشه از تولیدات جانبی سنگ مادر لوالوا است که هنگام احیای دوباره سطح سنگ مادر لوالوا به جای می‌ماند. دو تراشه

دیگر که در تولید آنها از فن لوالوا استفاده شده و یک تراشه کمبوا نیز در این مجموعه وجود دارد.

تیغه و ریز تیغه (blades bladelets)

اکثر تیغه و ریزتیغه‌های این مجموعه که ۳۸ عدد هستند از لحاظ فناوری همگن بوده و چندان کشیده و منظم نیستند. چنین تیغه‌هایی احتمالاً از سنگ مادر منشوری قابل انتساب به دوره‌های پارینه سنگی جدید و فراپارینه سنگی جدا شده‌اند. در این میان انتهای یک ریزتیغه پیچ خورده و یک تیغه نازک با جای برداشت‌های کم عمق رتوش مانند برای آماده‌سازی سکوی ضربه که تقریباً جز مشخصه‌های مصنوعات سنگی پارینه سنگی جدید است نیز دیده می‌شود. غیر از مشخصه‌های فوق چهار تیغه نسبتاً ضخیم با مقطع مثلثی شکل نیز در این گروه وجود دارد که به تولیدات پارینه سنگی میانی شباهت دارند. غیر از تراشه و تیغه‌های فوق ۷۳ قطعه ضایعات و دورریز نیز در مجموعه جمع‌آوری شده وجود دارد.

ابزار (tools)

به طور کلی ابزارهای این مجموعه روی تراشه و تیغه ساخته شده‌اند. ابزارهای تیغه شامل دو خراشنده انتهایی هستند که یکی از آنها در انتهای یک تیغه نازک شاخص پارینه سنگی جدید ایجاد شده است. قسمت فوقانی یک تیغه با رتوش مشابه رتوش پونت ارجنه و یک تیغه ستیخ دار که در یک طرف ستیخ با رتوش تقریباً عمودی به صورت پخ درآمده نیز در این گروه ابزاری جای می‌گیرند. ابزارهایی که روی تراشه ایجاد شده‌اند شامل سه کنگره‌دار و دو دندان‌دار، یک خراشنده انتهایی، یک ابزار کول‌دار، یک ابزار ترکیبی اسکنه/سوراخ‌کننده، دو تراشه پخ شده، یک اسکیم (esquillement) و ۱۵ تراشه با رتوش پراکنده هستند. در میان این ابزارها، دو خراشنده متقارب که یکی در یک لبه به صورت مورب رتوش شده نیز دیده می‌شود. خراشنده دوم یک خراشنده متقارب کوچک است که حباب ضربه آن با برداشت یک تراشه برداشت شده است (تصویر ۳، شماره ۵). از ابزارهای شاخص دیگر این مجموعه یک تراشه لوالوا است که یک لبه آن به طور ناقص رتوش شده است. آخرین ابزار یک خراشنده انتهایی است که در اثر استفاده پخ شده است. اما نکته جالب توجه این است که این ابزار در یکی از لبه‌ها دارای جلا است.

ویژگیهای صنایع سنگی ورکینی

با نگاهی کلی به مجموعه حاضر می‌توان دریافت که سنگ‌هایی که در ساخت مصنوعات سنگی به کار رفته‌اند، ابعاد کوچکی دارند اما با این حال حداکثر بهره‌برداری از آنها انجام شده است. این موضوع مخصوصاً در سنگ مادرهای کوچک شعاعی که به نسبت کل

مجموعه چندان هم کم نیستند، برجسته‌تر است. بهره‌برداری مجدد از قطعات زائد سنگ‌مادرها و حداکثر استفاده از سنگ‌های موجود، همگی نمایانگر دسترسی محدود ساکنان این مکان به منابع سنگ مورد نیاز بوده است. اکثر سنگ‌های به‌کاررفته در مجموعه مخصوصاً قطعات منسوب به موستری یک نوع چرت است که در دامنه‌های کوه میوله به‌صورت برون‌زدهای چرت رادیو لاریتی در سنگ آهک در دو نوع رگه‌ای و گرهک دیده می‌شوند و در صنایع سنگی موستری غار دو اشکفت به کرات استفاده شده‌اند (Biglari 2004). اما با توجه به نشانه‌های موجود، یافتن نوع مرغوب این نوع چرت در نزدیک پناهگاه ورکینی احتمالاً کار مشکلی بوده است. از لحاظ ویژگی‌های فناوری مصنوعات سنگی چند الگوی قابل تشخیص در بین سنگ‌مادرها وجود دارد که یکی سنگ‌مادرهای شعاعی کوچک است که عموماً در دوره پارینه سنگی میانی و اوایل پارینه سنگی جدید رایج بوده است. وجود این نوع سنگ‌مادر و خراشنده‌های متقارب و همچنین تراشه‌های لوالوا دلبلی بر وجود سنت موستری در این مکان است. از جمله ویژگی‌های خاص دیگر وجود چند سنگ‌مادر ریزینه است که تکنیک مشابهی مانند سنگ‌مادرهای زورقی شکل پارینه سنگی جدید دارند اما بسیار ابتدایی و ناشیانه هستند. وجود چنین فنی در کنار یک سنگ‌مادر دوسویه شاخص پارینه سنگی جدید نشانه وجود بقایای سکونت از دوران پارینه سنگی جدید در این مکان است. در کنار صنایع سنگی این دو دوره نشانه‌های معدودی از دوره فرایارینه سنگی یا جدیدتر مانند یک خراشنده انتهایی با آثار جلا نیز در مجموعه دیده می‌شود.

حاصل سخن

کاوشهایی که در پناهگاه صخره‌ای ورواسی و غار خر کرمانشاه و همچنین پناهگاه گراچنه لرستان انجام شد، وقفه چشمگیری را بین لایه‌های موستری و اوریناسی زاگرس این مکانها نشان نمی‌داد. از این‌رو فرضیه انتقال تدریجی بین این دو صنعت در این نواحی تقویت شده و برخی از پژوهشگران این روند را یک نوع تلاوم سنت‌های محلی می‌دانند که به دور از هرگونه نفوذ خارجی به تدریج در منطقه شکل گرفته است (Smith 1986). طی مطالعه حاضر در پناهگاه صخره‌ای ورکینی نیز نشانه‌های این دو دوره شناسایی شد و مکان دیگری برای آزمودن فرضیه توالی به نمونه‌های پیشین اضافه شد. اما با وجود جالب توجه بودن این فرضیه، تاکنون مدارک مستدلی برای تأیید این تلاوم ارائه نشده است. به همین دلیل پژوهشگرانی نیز مانند دروتی گارود به چنین تلاومی معتقد نبوده و به دنبال یک منشاء خارجی برای صنعت اوریناسی زاگرس بودند و نظریه آنها هنوز هم طرفدارانی دارد (1938, Olszewski 1999, Garrod).

سیاسگزاری

در اینجا مایلم از فریدون بیگلری به خاطر راهنمایی‌های بی دریغش و از پرفسور ژاک ژوبر و دکتر ونسان مور از دانشگاه بوردو فرانسه و از دکتر دبرا الزفسکی از دانشگاه پنسیلوانیا به خاطر نظرات ارزشمندشان سپاسگزاری نمایم.

کتابنامه

بیگلری، فریدون و سامان حیدری، (زیر چاپ)، «بررسی مکان‌های پارینه‌سنگی میوله، شمال کرمانشاه»، پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

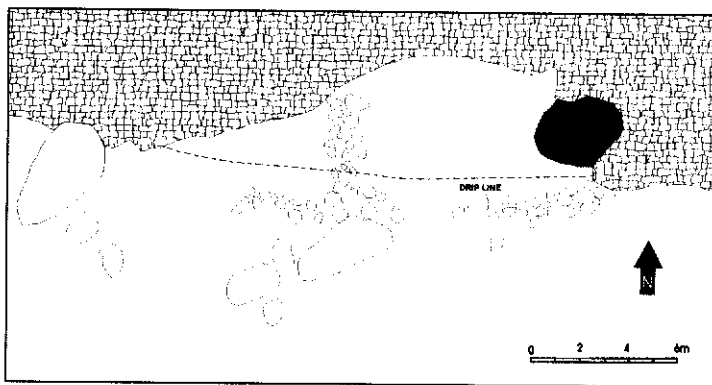
بیگلری، فریدون ۱۳۷۹ «گزارش مکان‌های نویافته دیرینه‌سنگی در بیستون»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ شماره پیاپی ۲۸، ص ۶۰-۵۰.

الف) فارسی

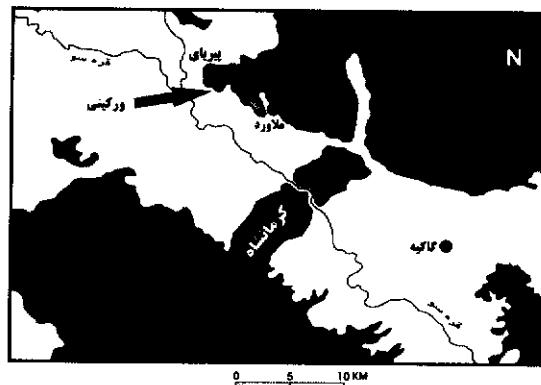
- Biglari, F., Nokandeh G. and Heydari, S.,
2000 A Recent find of a Possible Lower Paleolithic Assemblage from the Foothills of the Zagros Mountains. *Antiquity* 74: 749-750.
- Biglari, F.,
2004 The Preliminary Observations on Middle Paleolithic Raw Material Procurement and Usage in the Kermanshah Plain, the Case of Do-Ashkaft Cave. In T. Stollner, R. Slotta, and A. Vatandoust (eds), *Persian Antiques Splendor, mining crafts and archeology in ancient Iran*, vol. I, Pp. 130-138, Deutsches Bergbau-Museum Bochum, Bochum.
- Braidwood, R. J.,
1960 Seeking the World's First Farmers in Persian Kurdistan: A Full-Scale Investigation of Prehistoric Sites Near Kermanshah. *The Illustrated London News* no.237, pp. 695-97.

- Coon, C.S.,
1951 *Cave Explorations in Iran 1949*, Museum Monographs, The University Museum, University of Pennsylvania, Philadelphia
- Garrod, D.A.E.,
1938 The Upper Paleolithic in the light of recent discovery. *Proceedings of the prehistoric society*, n.s.4-1:1-26.
- Olszewski, D.I.,
1999 The Early Upper Paleolithic in the Zagros Mountains. In *Dorothy Garrod and the Progress of the Paleolithic. Studies in the Prehistoric Archaeology of the Near East and Europe*, edited by W. Davies R. Charles. Pp. 167-180. Oxford: Oxbow Books.
- Smith, P.E.L.,
1986 *Paleolithic Archaeology in Iran*, The University Museum, University of Pennsylvania, Philadelphia.
- Young, T.C, Jr & Smith, P.E.L.,
1966 Research in the Prehistory of Central Western Iran. *Science* 153:386-91.

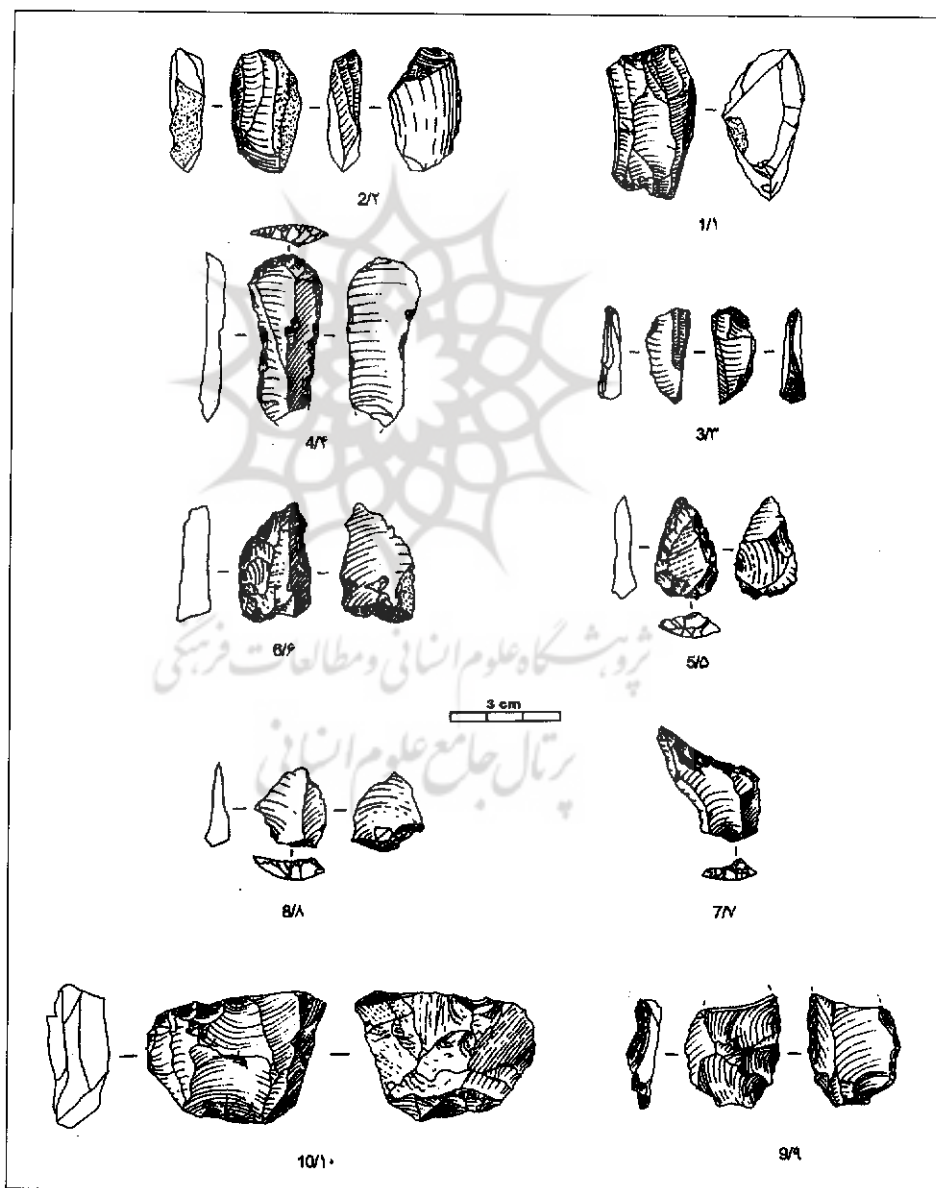
ب) غیرفارسی



شکل ۲. پلان پناهگاه صخره‌ای ورکیننی
 Pl.1. Location of Warkaini paleolithic sites, Varasi and Malaverd near Kermanshah



شکل ۱. موقعیت مکانهای پارینه سنگی ورکیننی، وراسی و ملاورد در نزدیکی کرمانشاه
 PL.2. Plan of warkaini rock-shelter



شکل ۳. مصنوعات سنگی ورکیننی
 Pl.3. Stone artifacts from Warkaini

